

دبیر کل خانه کارگر:

کارگران نیازمند اخذ مزد واقعی هستند نه بارانه‌های نقدی

دبیر کل خانه کارگر با اشاره به اینکه «تعیین حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار و با توجه به ماده ۴۱ قانون کار با مآخذ تورم و سبب حداقل معیشت خانوار آن هم با تعریف مرکز آمار ایران برای خانواده ۳.۲ نفری شهری انجام می‌شود»، اظهار کرد: مطابق با اصل ۴۳ قانون اساسی تامین نیازهای اساسی خوراک، پوشاک و مسکن و بهداشت و آموزش، ضروری است و بر این اساس در تعیین مزد حداقل، حداقل هزینه مسکن، حداقل هزینه خوراک و حداقل هزینه پوشاک احصا و در حداقل مزد لحاظ می‌شود.

علیرضا محجوب در گفت‌وگو با اپلنا بیان اینکه «سیاست حذف ارز ترجیحی ضربه سنگینی بر کارگران کشور وارد کرد»، گفت: حذف ارز ترجیحی بخش قابل اعتنایی از هزینه‌ها را افزایش داده است. اینکه برخی افراد و تصمیم‌گیران چطور کالاهای خود را تامین می‌کنند که به برخی تصمیمات تن می‌دهند، جای سؤال دارد اما لازم است بدانیم برخی اقلام تا دو برابر در سبب غذایی طی یک سال اخیر افزایش قیمت داشته و باقی اقلام نیز به اندازه نرخ تورم یا بیش از آن از حذف ارز ترجیحی تاثیر گرفته است. این در حالی است که برخی ائمه جمعه از این اقدام به عنوان جراحی اقتصادی نام بردند اما باید دانست که عوارض این جراحی فقط روی کارمندان و مزدبگیران و تهی‌دستان بوده است.



وی با اشاره به اینکه سیاست‌های جبرانی در این زمینه را ناکافی می‌دانیم، گفت: بدترین سیاست جبرانی پرداخت یارانه نقدی است که تاکنون دولت پی گرفته است. هر چند ما با کلیت سیاست‌های جبرانی موافق نیستیم ولی در میان این سیاست‌ها هیچ کدام به اندازه یارانه نقدی، ضربات منفی به اقتصاد نمی‌زند. یارانه عملاً افراد را وابسته کرده و مصداق تکی‌روی است. بارها گفتیم که سیاست جبرانی دولت باید به کسی تعلق بگیرد که کار می‌کند، البته دولت سیاست کالابری را شروع کرده که سیاست بهتری است، به شرط اینکه اولویت آن جامعه کارگری و افرادی باشند که کار می‌کنند. به هر حال باید کالابری جایگزین سیاست یارانه نقدی شود.

محجوب افزود: یارانه نقدی بدترین نوع یارانه است و رئیس‌جمهور کالابری را به عنوان سیاست مکمل مطرح کرد که کاملاً اشتباه است بلکه باید کالابری شکل سیاست جبرانی اصلی برای حمایت از معاش مستضعفان جامعه باشد و پرداخت نقدی باید کاملاً محدود و در صورت امکان حذف شود. دادن کالای مستقیم به مردم، تسکین دردهای تورم است و اولویت آن باید این باشد که بدون سیاست صدق‌های، به کسانی که کار می‌کنند یا افراد دچار کار افتادگی اختصاص یابد و از هر نوع گداپرووری دوری شود. دلالتی که می‌تواند کارکنان را به جای کار، خودرأفردی‌داری مشکل مالی جامی زند تا یارانه یا کالابری بگیرد، از طریق اولویت یافتن کار به عنوان ملاک پرداخت، دیگر نمی‌تواند جیره‌خورد دولت شود.

تصویر کلی لایحه بودجه ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی با افزایش ۵۹ درصدی به ۸۳۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. در عین حال، حقوق با افزایش ۲۰ درصدی به هفت میلیون تومان رسیده و مبلغ یارانه نقدی ثابت است. همین ارقام، نگرانی‌هایی را برای توده مردم و فعالان اقتصادی از این بابت که وزن سنگین مالیات در سال آینده بر دوش آنها بیفتد، به وجود آورده است.

تجارت نیوز برای بررسی آثار این تصمیمات و ترسیم چشم‌انداز اقتصاد ایران گفت‌وگویی با «حسن سبحانی» استاد اقتصاد دانشگاه تهران و نماینده پیشین مجلس ترتیب داده که در ادامه می‌خوانید.

تصویر کلی لایحه بودجه ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی با افزایش ۵۹ درصدی مواجه خواهد شد. آیا وزن سنگین مالیات در سال آینده بر دوش مردم خواهد بود و بهره‌وری نیروی کار کاهش خواهد یافت؟

مالیات براساس قانون در یافت می‌شود یعنی دولت‌ها طبق نرخ، مالیات تعیین می‌کنند نه براساس اندازه. قانونگذار اعلام نمی‌کند که قصد دارد حتماً هزار واحد مالیات بگیرد بلکه بر سود کار خانات یا حقوق کارمندان در صدی مالیات وضع می‌کند. در واقع، تفاوت درصد گرفتن با عدد مطلق این است که اگر درآمدی باشد از سود آن مالیات گرفته می‌شود. بنابراین پرسش اصلی این است که آیا نرخ‌های مالیاتی فشارآور هستند یا نه؟ کشور همواره از کارمندان خود با درصد‌های مشخصی مالیات می‌گیرد و سعی می‌کند کف حقوق را که معافاز مالیات است، افزایش دهد. در این بین، قشر حقوق‌بگیر مالیات زیادی نسبت به بعضی دیگر از اقشار جامعه می‌پردازد. در نتیجه این امر، قدرت خرید او کاهش یافته و بنابراین مالیاتی که اخذ می‌شود، به زندگی حقوق‌بگیران فشار تحمیل می‌کند. پس افزایش مالیات در بودجه به معنای فشار بر زندگی مردم نیست، با این حال کاهش قدرت خرید موجب می‌شود نرخ‌های مالیاتی مشقت‌آور باشند. البته در بعضی از موارد، گرفتن مالیات ترجیحی اقتصادی ندارد. برای مثال در یک اقتصاد دلاریزه که مردم با ربط و بی‌ربط هر امری را به دلار ربط می‌دهند، اگر قیمت مسکن یا خودرو افزایش یابد دولت از این افزایش قیمت مالیات بگیرد، توجیه ندارد چرا که این مالیات‌ستانی از ارزش واقعی مسکن یا خودرو نیست و این افزایش صوری ناشی از بالارفتن بهای ارز است و فشار مالیاتی تلقی می‌شود.

اخیراً یکی از فعالان اقتصادی نسبت به افزایش ۲۰۲ برابری مالیات اشخاص حقوقی در سال آینده گلایه کرده است. آیا افزایش مالیات در شرایط فعلی به رکود بیشتر می‌انجامد و مادر سال ۱۴۰۲ با موج جدیدی از بیکاری مواجه خواهیم شد؟

فرض بر این است که مالیات از سود گرفته می‌شود بنابراین اگر واحدی سود کسب نکند یا افزایش سود نداشته باشد، از آن مالیاتی هم گرفته نمی‌شود. ما از وضعیت کسب و کار اشخاص حقوقی اطلاعی نداریم و بنابراین باید با دقت بیشتری به این مساله نگاه کرد. اینکه نرخ مالیات به سمت پایین تغییر کرده، برای تولیدکننده انگیزه ایجاد می‌کند. حتی اگر مالیاتی که از تولیدکننده گرفته می‌شود، دو برابر شود این موضوع به معنای تحمیل فشار بیشتر بر تولیدکننده نیست، بلکه این امر یعنی سود تولیدکننده به حدی زیاد شده که به این اندازه مالیات داده است.

مجلس در حال بررسی مالیات بر عایدی سرمایه است. اگر این طرح به قانون تبدیل شود آیا ممکن است به فرار سرمایه بینجامد؟

بخشی از پاسخ به این سوال، به همان مثال اتومبیل و مسکن برمی‌گردد. اگر سرمایه‌ای، عایدی به دنبال داشته باشد چرا از عایدی آن مالیات گرفته نشود؟ مساله اصلی این است که ببینیم جنس «سرمایه» و «عایدی» چیست؟ اگر قیمت یک خانه به دلیل تحولات اقتصادی چهار برابر شد و فرد قصد ادامه زندگی در آن خانه را داشته باشد، گرفتن مالیات از افزایش قیمت به معنای مالیات بر عایدی سرمایه نیست ولی اگر افرادی دارای سرمایه‌ای هستند که تحولات اقتصادی، منفای را متوجه آنها می‌کند، باید از آن مالیات گرفته شود چون این مالیات‌ستانی هم توزیع درآمد را عادلانه‌تر می‌کند و هم درآمد دولت را افزایش می‌دهد.

از آنجایی که هزینه‌ها در لایحه بودجه افزایش حدود ۴۰ درصدی داشته، برخی بر این باورند که دولت باز هم سراغ بانک مرکزی می‌رود، ضمن اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس در نخستین بررسی خود از لایحه بودجه اعلام کرده که تورم لایحه ۴۰ درصد است.

سازوکار سنجش تورم، یک سازوکار پیچیده است اما مسلم است که روند فعلی تورم دست‌خوش تغییر زیادی در سال آینده نمی‌شود. در بودجه، هزینه‌ها به هر دلیلی رو به افزایش است. بودجه اصولاً تورم‌زا است، چون تقاضا ایجاد می‌کند و فقط بخش عمرانی در بلندمدت تورمی به دنبال ندارد.

تورم سال آینده هم بالاتر از مرزهای ۴۰ درصدی خواهد بود

افزایش حقوق کارگران و کارمندان؛ ضروری اما مخرب



از آنجایی که نرخ تورم در سال آینده هم تغییر معناداری نخواهد داشت، حقوق هم متناسب با نرخ تورم تعدیل می‌شود، هر چند که این کار مثل ریختن بنزین روی آتش است. چاره کار البته افزایش حقوق نیست اما چون اتفاق دیگری نمی‌افتد، حقوق بالا می‌رود

شود که بتوانیم مقادیر زیادی نفت و گاز بفروشیم. در این صورت می‌توانیم تورم را به میزان زیادی کاهش دهیم اما این امر هم در صورت وقوع، موقتی خواهد بود. در شرایطی می‌توان گفت که نرخ تورم منطقی می‌شود که ظرفیت تولید به داخل مربوط شود و بالا یا پایین رفتن قیمت نفت روی آن اثر نداشته باشد.

در چند وقت اخیر، خیلی‌ها نسبت به فرارسیدن فروپاشی اقتصادی هشدار داده‌اند. فروپاشی اقتصادی به چه معناست و آیا ما به این مرحله نزدیک شده‌ایم؟

در اصطلاحات اقتصادی چنین واژه‌ای یافت نمی‌شود. می‌توان این شرایط را این گونه تعریف کرد که تامین هزینه‌های زندگی برای اکثریت خانوارهای دیگر ممکن نخواهد بود بنابراین ممکن است مردم در میان مدت یا بلندمدت ترجیح دهند که خانواده‌ای تشکیل ندهند یا اولاد نداشته باشند، به نحوی که بنیان‌های قوی خانواده به تدریج و در بلندمدت سست شود. به اعتقاد من، فقر و فشار اقتصادی دارای چنین ظرفیتی است که در بلندمدت بنیان خانواده را تضعیف کند ولی اینکه بگویم در سال آینده یا دو سال دیگر این اتفاق می‌افتد، بی‌دقتی در انتخاب کلام است. دامنه رونق‌فعلی می‌تواند به افزایش و تعمیق فقر در کشور بیانجامد که این موضوع هم بر تصمیم برای تشکیل خانواده یا دانشستن اولاد کمتر اثرگذار خواهد بود.

چشم‌انداز اقتصاد ایران را چطور ترسیم می‌کنید و دولت چه کاری را باید در اولویت خود قرار دهد؟

آنچه باید به عنوان اولویت در اقتصاد ایران در دستور کار قرار گیرد؛ برطرف کردن عوامل غیر اقتصادی موثر بر اقتصاد است چون اقتصاد ایران قبل از اینکه به متغیرهای اقتصادی وابسته باشد، به متغیرها و عوامل غیراقتصادی وابسته شده است. اگر چشم‌انداز اقتصادی را به معنای رشد اقتصادی خوب، نرخ بیکاری پایین، روند صعودی نرخ تورم، افزایش نرخ سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص و بالارفتن سطح رفاه خانوار در نظر بگیریم، با حفظ وضع موجود، این چشم‌انداز روشن به نظر نمی‌آید.

را براساس گذشته تنظیم می‌کنند و به عبارتی، به هر جمله یا عبارتی از مقامات دل نمی‌بندند بنابراین بیان این روندها فعالان اقتصادی را اغوا نمی‌کند. در عمل، واقع‌بینی فعالان اقتصادی به حدی است که متاثر از چنین عباراتی نباشند اما می‌ماند توده مردم. اکثریت مردم به اظهارات دولتمردان توجه نشان می‌دهند و بهتری می‌پذیرند. تحقق نیافتن این موضوع به اعتماد عمومی لطمه وارد می‌کند و کاهش اعتماد عمومی هم پیامدهای منفی در عرصه‌های دیگر غیر از اقتصاد، یعنی سیاست، اجتماع و فرهنگ به دنبال خواهد داشت.

اخبار رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده که می‌توان تورم را ظرف دو سال به یک عدد منطقی رساند. این امر چطور اتفاق می‌افتد؟

این وعده، آرزوی هر ایرانی است اما باید دید منظور دقیقاً چیست؟ یا منظور این است که تورم تکرر می‌شود یا برای مثال به ۳۵ یا ۴۰ درصد می‌رسد؟ اینکه گفته شده قرار است این هدف در ظرف دو سال محقق شود، به نظر من اقتصاد ایران چنین ظرفیتی ندارد، مگر اینکه روابط ما با دنیا به گونه‌ای تنظیم

بالا می‌رود. افزایش حقوق هم به معنای بالارفتن هزینه‌هاست یعنی برای اینکه وضع موجود حفظ شود، در کشوری که دارای تورم ۵۰ درصدی است، برای حفظ سطح خدمات فعلی باید بودجه یک‌ونیم برابر شود که به معنای افزایش هزینه است. در این بین، راه‌های تامین ممکن است تورم‌زا باشند. البته ظاهر قانون اجازه نمی‌دهد استقراض از بانک مرکزی از یک میزانی بالاتر رود، ولی ممکن است راه‌های دیگری دنبال شود که در نهایت به افزایش پایه پولی منجر شود و تورم به دنبال داشته باشد.

مقامات اقتصادی روند تورم در سال آینده را کاهش می‌دانند در حالی که نهادهای پولی و مالی بین‌المللی و برخی مراکز داخلی تورم سال آینده را حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد پیش‌بینی می‌کنند. آمارسازی‌های غلط هم به کاهش اعتماد عمومی منجر می‌شود. این امر چه پیامد منفی برای اقتصاد به دنبال دارد؟

مخاطبان این اظهارات را باید دسته‌بندی کرد. آنهایی که فعال اقتصادی هستند یا مسائل اقتصادی را تحلیل می‌کنند، معمولاً انتظار خودشان

روند تورم در سال آینده چندان متفاوت از وضعیت کنونی نخواهد بود اما اینکه هزینه‌ها در بودجه بالاست، یک امر اجتناب‌ناپذیر است. از آنجایی که نرخ مالیات از افزایش قیمت به معنای مالیات بر عایدی سرمایه نیست ولی اگر افرادی دارای سرمایه‌ای هستند که تحولات اقتصادی، منفای را متوجه آنها می‌کند، باید از آن مالیات گرفته شود چون این مالیات‌ستانی هم توزیع درآمد را عادلانه‌تر می‌کند و هم درآمد دولت را افزایش می‌دهد.

در یک اقتصاد دلاریزه که مردم با ربط و بی‌ربط هر امری را به دلار ربط می‌دهند، اگر قیمت مسکن یا خودرو افزایش یابد دولت از این افزایش قیمت مالیات بگیرد، توجیه ندارد چرا که این مالیات‌ستانی از ارزش واقعی مسکن یا خودرو نیست و این افزایش صوری ناشی از بالارفتن بهای ارز است و فشار مالیاتی تلقی می‌شود

سعی کرد از آن به نفع خود و علیه منافع ایالات متحده استفاده کند و به نظر می‌رسد که حالا زمان اجرای آن فرا رسیده است.

شروع چینی در سرزمین عربی

معمولاً زمانی که دو کشور آن هم در چنین سطحی و با چنین نفوذی یک توافق تجاری سیاسی چند جانبه را به امضا می‌رسانند، زمان زیادی برای اجرای آن پروژه صرف خواهد شد و حتی در برخی از نقاط مانند آفریقا ممکن است که اجرای آن با مشکلات عظیمی روبرو شود. اما در مورد چین این موضوع صدق نمی‌کند یا باید در چه خفیف‌تری صادق است. چینی‌ها اقتصاد را صرفاً یک مولفه نفوذ سیاسی – تجاری نمی‌دانند، بلکه آنها از این فرصت برای هدایت و سرگرم کردن مردم خود هم بهره می‌برند. توجه داشته باشید که چین با بیش از ۱.۵ میلیارد نفر جمعیت، در واقع یک بحران دائمی را تجربه می‌کند که برآمده از جمعیت کثیر آن است. این جماعت علاوه بر خوراک، مسکن، پوشاک و غیره نیازمند کار هستند و به همین دلیل است که چینی‌ها هیچ پروژه‌ای را (مگر به دلایل امنیتی) رها نمی‌کنند و به سرعت وارد فاز اجرایی آن می‌شوند. حالا هم این مساله در مورد طرح‌های پکن در منطقه کاملاً قابل رویت است. روز گذشته (سه‌شنبه) خبر گزارشی شینخوا عنوان کرد که کین گانگ، وزیر خارجه چین در تماس تلفنی با فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر خارجه عربستان خواستار ایجاد منطقه آزاد تجاری بین کشورش و شورای همکاری خلیج فارس در اسرع وقت شد. او معتقد است که چین و عربستان باید در آینده افزایش همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله تجارت، اقتصاد، انرژی، زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری، تکنولوژی و توسعه تماس‌ها و هماهنگی‌ها

ایجاد منطقه تجاری چین با کشورهای حاشیه خلیج فارس عملیاتی شد؛

تلاش ثمربخش پکن برای جای‌گیری در منطقه



فرشاد گلزاری

دسامبر ۲۰۲۲ میلادی بدون شک یکی از برهه‌هایی است که در تاریخ روابط بین‌الملل ماندگار شد؛ چرا که در این ماه اتفاق‌هایی در حاشیه خلیج فارس رخ داد که به نوعی می‌توان آن را تغییر برخی از سیاست‌های کلان در منطقه و در میان کشورهای عربی دانست. در اواسط ماه دسامبر سال گذشته میلادی ششی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین به همراه یک هیأت مرکب اقتصادی – سیاسی وارد ریاض شد و در اینجا بود که برخی از شبکه‌های تلویزیونی مطرح جهان یکبار به برنامه‌های روزانه خود را قطع کردند و ورود وی به خاک عربستان سعودی را پوشش دادند. همان هنگام برخی رسانه‌های ایالات متحده سفر رئیس‌جمهوری چین به عربستان را خنجر ریاض به پهلوی واشنگتن قلمداد کردند؛ چرا که متحد اصلی آمریکا حالا میزبان دشمن واشنگتن شده بود. اینکه در نظام بین‌الملل هر کشوری می‌تواند بنا بر اختیار با منافع ملی خودش با دولت‌های دیگر روابط برقرار کند، موضوعی است که چندان نمی‌توان به آن ایراد گرفت. بر همین اساس سخنگوی کاخ سفید در پاسخ به یکی از خبرنگاران حاضر



را بررسی کنند. به گفته او، چین آماده همکاری و هماهنگی با عربستان در امور منطقه‌ای، جهانی و تقویت صلح و ثبات منطقه به شکل مشترک و حمایت از منافع مشترک کشورهای در حال توسعه به شکل بهتر است. موضع فعلی چینی‌ها را به صورت کلی می‌توان در این گفت‌وگوی تلفنی درک و لمس کرد. پکن به هر تقدیر می‌خواهد هر چه سریع‌تر جای پای خود را در منطقه‌ای که تحت فرمان شیخ‌نشین‌ها قرار دارد و میلیاردها دلار هزینه رقابت‌های منطقه‌ای شده است، محکم کند و به همین دلیل است که دستگاه دیپلماسی چینی‌ها در این میان سعی دارد توافق‌های تجاری و سیاسی با اعراب حاشیه خلیج فارس را عملیاتی کند تا از این طریق علاوه بر تحکیم و تثبیت منافع خود، منافع ایالات متحده را هم در این منطقه مورد تهدید قرار دهد.